



## یادداشت ها: واژه ای فراموش شده از شاهنامه در فرهنگ ها

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد

ادبیات و زبانها :: فرهنگ نویسی :: دی 1386 - شماره 1

از 280 تا 285

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/979955>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی

تاریخ دانلود : 12/10/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## واژه‌های فراموش شده از شاهنامه در فرهنگ‌ها

سجاد آیدنلو

یکی از چندین کار مهمی که هنوز در شاهنامه‌شناسی انجام نشده تدوین «فرهنگ جامع لغات، ترکیبات و حروف شاهنامه» است<sup>۱</sup> که واژه‌نامه ضمیمه یادداشت‌های شاهنامه دکتر خالقی مطلق را باید زمینه‌ساز و مقدمه آن دانست (خالقی مطلق ۱۳۸۰/۲۰۰۱، ص ۷۷۷-۹۳۱). مهم‌ترین کاستی آثاری که تا امروز به نام فرهنگ یا واژه‌نامه شاهنامه منتشر شده دربرداشتن همه لغات و ترکیبات و نیز نادرستی و کلی‌گرایی در معنی‌گذاری آنهاست<sup>۲</sup> و آشکار است که، با چنین پژوهش‌های ناقص و سهو‌آمیزی، شناخت دقیق گنجینه لغوی شاهنامه و نهایتاً بهره‌مندی از آن برای تألیف فرهنگ بزرگ و کامل زبان فارسی به درستی ممکن نیست. شاید آسان‌نمایی ظاهری متن شاهنامه و روشن‌بودن معنای بیشتر ابیات آن در محور طولی و تسلسل‌روایی داستان‌ها پژوهندگان - و از جمله فرهنگ‌نویسان - را از تأمل در یکایک واژگان و تعبیر این کتاب بازداشته است و، در سیر فرهنگ‌نویسی فارسی، غالباً لغات دشوار و نسبتاً ناآشنای شاهنامه با شواهد آنها مورد توجه قرار گرفته و کمتر به حدود و ظرفیت‌های معنایی واژگان به اصطلاح مأنوس پرداخته شده است.<sup>۳</sup>

در این شیوه‌گزینی نیز، گرچه از فوایدی خالی نیست و خوانندگان و علاقه‌مندان شاهنامه را یاری می‌رساند، متأسفانه اصلی «عدم جامعیت و بی‌دقتی در معنی‌یابی»

(۱) برای آگاهی از کوشش‌های صورت گرفته در این باره، رک خطیبی ۱۳۷۷.

(۲) برای نقدی از این منظر درباره فرهنگ‌های شاهنامه، رک رواقی ۱۳۸۰.

(۳) برای ملاحظه تنوع معنایی یکی از ساده‌ترین واژه‌های شاهنامه، رک رستگار فسایی ۱۳۷۹. در دو دفتر واژه‌های ناشناخته در شاهنامه از دکتر رواقی نیز نمونه‌هایی از این گونه لغات آمده است.

مصدق یافته و گاه بعضی از واژگان غریب و درخورِ بحثِ شاهنامه هم از نظر فرهنگ‌نگاران به دور مانده است.

برای نمونه، در بخش پادشاهی هرمزد، پس از اینکه پرموده، پسر ساوه، به زنه‌ار شاه و بهرام‌چوبین درمی‌آید، بهرام دستور می‌دهد تا گنج و خواسته‌دژی که پرموده مدّتی در آن حصارِ بوده بررسی و شمار آن نوشته شود. در پی این فرمان:

دبیران برفتند دل پسر هراس ز شبگیر تا شب گذشته سه پاس

سیه شد بسی یازگار از شمار نبشته نشد هم به فرجام کار

(شاهنامه، چاپ مسکو، ج ۸، ص ۳۱۹۱، ب ۱۲۶۳ و ۱۲۶۴)

در اینجا واژه «یازگار»، تا جایی که نگارنده جستجو کرده است، در هیچ‌یک از فرهنگ‌های فارسی و ذیل آنها - که اخیراً به همت دکتر رواقی چاپ شده - و نیز واژه‌نامه‌های تخصصی شاهنامه دیده نمی‌شود. حتی، در واژه‌نامه‌ی شادروان نوشین که براساس پنج نسخه شاهنامه، از جمله دست‌نویس بریتانیا / لندن (۶۷۵هـ.ق) - که ضبط «یازگار» از آن است - تدوین و مشخصات بیت‌ها از چاپ مسکو داده شده (۱۳۶۹، ص ۱۲ مقدمه)، این لغت دشوار و نادر فوت شده است.

با توجه به اینکه مصححان چاپ مسکو در بیشتر موارد تابع ضبط نسخه اساس خویش، یعنی بریتانیا (۶۷۵هـ.ق)، بوده‌اند، می‌توان گفت که صورت «یازگار» مربوط به این دست‌نویس است و اتفاقاً در چاپ حروفی نسخه مذکور نیز ضبط بیت دقیقاً مطابق چاپ مسکوست و واژه «یازگار» هم با علامت ابهام (؟) و پرستاران متن آمده است (شاهنامه موزه بریتانیا، ص ۷۹۰).

در چاپ عکسی نسخه دایرةالمعارف اسلامی / سعدلو، ضبط بیت مورد بحث چنین است:

سیه شد بسی یازکار از شمار نوشته نشد هم به فرجام کار

(شاهنامه فردوسی همراه با خمسة نظامی، ص ۸۹۶)

در این بیت محتملاً «یازکار» صورتی از «یازگار» است که شاید کاتب امانتدار آن را نشناخته و از روی دست‌نویس اساس کتابت خویش نقاشی کرده است. نسخه سعدلو /

دایرة‌المعارف اسلامی (ظاهراً متعلق به قرن هشتم هـ.ق) در بخش‌هایی با دست‌نویس بریتانیا همخوانی دارد<sup>۴</sup> و این ضبط توجه‌برانگیز نیز می‌تواند یکی دیگر از آن نمونه‌ها باشد، به‌ویژه که اجزای دیگر بیت هم با متن نسخه بریتانیا و چاپ مسکو یکسان است.

در دست‌نویس قاهره (۷۹۶هـ.ق)، به استناد نسخه‌بدل‌های چاپ مسکو (۳۹۱/۸) حاشیه (۵)، به جای «یازگار»، «کاغذ» آمده و ضبط مصراع نخست بدین‌گونه است: سیه شد بسی کاغذ از هر شمار.

همین ضبط و صورت در شاهنامه چاپ‌های جیحونی (کتاب چهارم، ص ۱۹۴۷، ب ۱۲۷۰) قریب - بهبودی (ج ۴، ص ۴۰۱، ب ۱۲۶۳) و دبیر سیاقی (ج ۵، ص ۲۲۳۸، ب ۱۳۱۵) نیز دیده می‌شود. ژول مول وجه «نامه‌ها» را جانشین «یازگار» و «کاغذ» کرده (ج ۶، ص ۲۰۳۰، ب ۱۲۸۷) و، در شاهنامه حاشیه ظفرنامه مستوفی، صورت مصراع اول چنان تغییر یافته است که هیچ‌یک از وجوه «یازگار»، «کاغذ»، «نامه‌ها» یا ضبطی مشابه آنها در آنجا نمی‌گنجد: «دبیران بماندند از آن در شمار». (ظفرنامه حمدالله مستوفی...، ص ۱۵۰۰)

بنداری دوبیتی را که پیش‌تر ذکر شد این‌گونه ترجمه کرده است: «فصعدت الیها الثقات و الکتاب مبکرین و لم یزالوا فی حساب و کتاب الی الثالث الاخیر من اللیل و لم یأتوا مع ذلک علی الجمیع» (الشاهنامه، ج ۲، ص ۱۸۹). چنان‌که ملاحظه می‌شود، متأسفانه او فقط مصراع مورد بحث را از این دو بیت ترجمه نکرده است تا معلوم شود ضبط نسخه کهن‌تر وی در اینجا چه بوده است. آیا می‌توان حدس زد که شاید در نسخه مورد استفاده بنداری<sup>۵</sup> هم صورت «یازگار» وجود داشته و او احتمالاً، به دلیل غرابت واژه و ندانستن معنای آن، از ترجمه این مصراع چشم پوشیده است؟

در هر حال، تا انتشار این بخش از شاهنامه تصحیح دکتر خالقی مطلق و بررسی متن و نسخه‌بدل‌های چاپ ایشان، باید صورت «یازگار» را در کهن‌ترین دست‌نویس کامل شاهنامه، بریتانیا (۶۷۵هـ.ق)، که در نسخه‌ای نویافته از قرن هشتم هـ.ق نیز تا حدی تأیید

۴) برای بحثی در این باره، رک خطیبی ۱۳۸۲.

۵) به نظر دکتر خالقی مطلق (۱۳۷۴)، تاریخ کتابت شاهنامه مورد استفاده بنداری بین سال‌های ۵۵۰-۶۰۰هـ.ق بوده است.

می‌شود، وجه برتر دانست، و اصالت آن، افزون بر استناد بر یکی از قدیم‌ترین نسخ حماسه ملی ایران، از راه قاعده معروف «ضبط دشوارتر برتر است» هم ثابت می‌شود؛ زیرا هیچ کاتب و شاهنامه‌خوانی ضبط آشنای «کاغذ» یا «نامه‌ها» را به صورت نامأنوس و دشوار «یازگار» تبدیل نمی‌کند امّا، برعکس این، امری کاملاً طبیعی است.

در باره معنا و اشتقاق «یازگار»، دکتر رواقی به مناسبت بحث از واژه «آجیش» نوشته‌اند: «از این مصدر، یعنی آزدن/ آختن، واژه آزرگار به معنی پیوسته، ممتد، مدام، کشیده و... در نوشته‌های معاصر فارسی کاربردی چشمگیر دارد، و اگر اشتباه نکنم، در شاهنامه یک‌بار به صورت «یازگار» آمده است در معنی طولانی و کشنده و دیرپا» (۱۳۸۳، ص ۲۲). هرچند که به قیاس نمونه‌های مشابهی، مانند: سازگار، آموزگار و... «یازگار» ترکیبی از «یاز» و «گار» می‌نماید امّا، در بیت شاهنامه و براساس معنای کلی محور افقی و عمودی ابیات این بخش، نمی‌توان ارتباطی میان «یازگار» و معنای مصدر «آختن/ آزدن» یافت بلکه این واژه، همچنان که از ضبط «کاغذ» در بعضی از نسخ و چاپ‌های شاهنامه برمی‌آید، به معنای «بزار کتابت، کاغذ» به کار رفته است و منظور فردوسی از ترکیب «سیاه‌شدن یازگار بسیار» استفاده از کاغذ فراوان برای نوشتن شمار و میزان گنجینه دژ است.

در زبان ارمنی، واژه ایرانی «یادکار» به صورت «y(h)etkar» و در معنای «دست‌نویس، قسم‌نامه و غیره» وجود دارد (آبوزیان ۱۳۷۱، ص ۱۱۹؛ رواقی ۱۳۸۱، ص ۳۶۹)؛ از این روی، آیا می‌توان بین این واژه و «یازگار»، که در شاهنامه در معنایی تقریباً معادل آن استعمال شده، ارتباطی دید و برای هر دو در پی ریشه و خاستگاهی واحد بود؟ از باب نشان‌دادن مشابهت، این نکته را هم باید یادآوری کرد که جزء «یاز» در «یازگار» - مشروط به اینکه این لغت ترکیبی از «یاز» و «گار» باشد - هم‌سان واژه ترکی «یاز» از مصدر «یازماق: نوشتن» است و جالب اینکه هر دو صورت مشابه با معنای «نوشتن» ارتباط دارند.

در حدود بررسی‌های نگارنده، ظاهراً «یازگار» واژه منفردی است و غیر از شاهنامه در دیگر متون نظم و نثر فارسی شاهدهی ندارد و به همین دلیل جای پرسش‌هایی از این نوع

همچنان درباره آن باقی است که آیا «یازگار» از لغات زبان معیار و رسمی فارسی است یا متعلق به یکی از گونه‌های زبانی یا احیاناً واژه‌ای است محلی؟ یا اینکه احتمال دارد واژه‌ای نادرست و تغییر یافته باشد که اصل آن صورت دیگری است؟

اینها سؤالاتی است که انتظار داریم متخصصان زبان‌شناسی و واژه‌پژوهی بدانها پاسخ دهند و نگارنده امیدوار است که این یادداشت کوتاه، به عنوان طرح مسئله، چنین بررسی‌هایی را در پی داشته باشد؛ زیرا بدیهی است که، بدون استخراج این گونه واژه‌ها و روشن کردن اصل و معنای آنها، تألیف فرهنگ جامع و کامل زبان فارسی امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>۶</sup>

### منابع

آیروزیان، ماری (۱۳۷۱)، وام واژه‌های ایرانی میانه غربی در زبان ارمنی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۴)، «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه»، ایران‌شناسی، س ۷، ش ۴، ص ۷۴۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۰/۲۰۰۱)، یادداشت‌های شاهنامه، ج ۲، بنیاد میراث ایران، نیویورک.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۷۷)، «نگاهی به فرهنگ‌های شاهنامه از آغاز تا امروز»، نامه فرهنگستان، د ۴، ش ۳ (پیاپی ۱۵)، ص ۳۷-۵۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «شاهنامه‌ای کهن (همخوانی بخشی از دستنویس «سعدلو» با کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه)»، نشر دانش، س ۲۰، ش اول، (پیاپی ۱۰۴)، ص ۳۰-۳۶.

رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۹)، «تحلیل معنایی واژه «گفتن» در شاهنامه فردوسی»، ... ز دفتر نوشته‌گه باستان، به کوشش گروه رجال و مفاخر مرکز خراسان‌شناسی، آستان قدس رضوی، مشهد، ص ۱۰۷-۱۲۴.

رواقی، علی (۱۳۸۰)، «شاهنامه را چگونه باید خواند؟»، نامه انجمن، س ۱، ش ۱، ص ۴-۱۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، ذیل فرهنگ‌های فارسی، هرمس، تهران.

۶ مدتی پس از نگارش این یادداشت، نسخه‌برگردان دست‌نویس بریتانیا (۶۷۵هـ ق) منتشر شد (به کوشش ابرج افشار و محمود امیدسالار، انتشارات طلایه، ۱۳۸۴) و نسخه‌ای از آن به لطف استاد ابرج افشار به دست نگارنده رسید. در عکس این نسخه، واژه مورد بحث «یازکار» (yāzkar) با «ز» پایانی خوانده می‌شود (برگ ۲۶۰a) و این، اگر خطای کاتب نباشد، بر دشواری و ابهام ضبط لغت و بیت مربوط می‌افزاید.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «گویش‌ها و متون فارسی»، نامه‌انجمن، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۲۲.
- شاهنامه، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، علمی، تهران ۱۳۷۰.
- \_\_\_\_\_، تصحیح انتقادی، مقدمه انتقادی و نکته‌های نویافته، مصطفی جیحونی، انتشارات شاهنامه‌پژوهی، اصفهان ۱۳۷۹.
- الشاهنامه، ترجمه‌ها نثرأ: الفتح بن علی البنداری، فارنها بالاصل الفارسی واکمل ترجمتها فی مواضع و صححها و علق علیها و قدّم لها: الدكتور عبدالوهاب عزّام، دارسعاد الصباح، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- \_\_\_\_\_، تصحیح ژول مول، با مقدمه محمد امین ریاحی، سخن، تهران ۱۳۷۳.
- \_\_\_\_\_، (چاپ مسکو)، به کوشش سعید حمیدیان، نشر قطره، تهران ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_، (موزه بریتانیا)، به کوشش محمد روشن و مهدی قریب، نشر فاخسته با همکاری شرکت آترپات، تهران ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_، ویراسته مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، توس، تهران ۱۳۷۵.
- شاهنامه فردوسی همراه با خمسة نظامی، با مقدمه فتح‌الله مجتبیایی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۷۹.
- ظفرنامه حمدالله مستوفی به اضافه شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه ۸۰۷ هـ ق کتابخانه بریتانیا)، مرکز نشر دانشگاهی ایران و آکادمی علوم اتریش، ۱۳۷۷.
- نوشین، عبدالحسین (۱۳۶۹)، واژه‌نامهک، ج ۳، دنیا، تهران.

